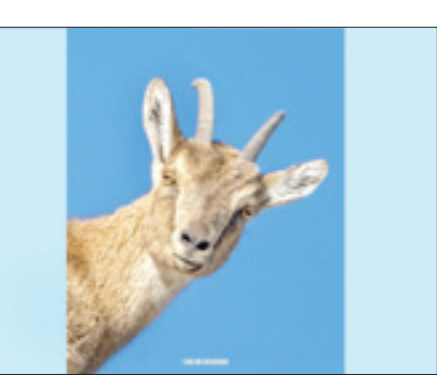


این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



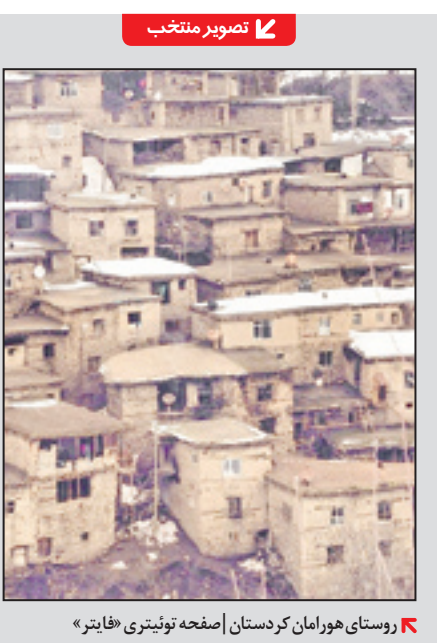
فرزاد دهقانی، محیط‌بان با انتشار تصویر فوق نوشت: واقعیت اینه که در لرستان بسیار شدن باین صحنه و نزدیک شدن به کل و بزهای کوهی تاین لندزه،بسیار کار سختیه و به دلایل مختلف این حیوانات واقعا وحشی هستند و رفتار بسیار محتاطانه‌ای در مواجه با انسان دارند و این دفعه استثنا من توستم بعد از کلی حرکت مخفیانه این‌قدر به این بز کوهی نزدیک بشم.



کانال تلگرامی «فجاز بست» نوشت: این ماجرای شوخی کردن با فلاپی که وقتی بچه بودیم باهاش فایل چاپه‌جا می‌کردیم، از اون چیزایی که هیچ‌وقت قدیمی نمی‌شه. جدیداً یکی نوشته بود وقتی فهمیدم پیر شدم که وقتی بچه اینو دستم دید، گفت: اوه، چه جالب! ایکن Save رو پرینت سه بعدی کردی. حالا جالبه بدوین که مایکروسافت دقیقاً به خاطر همین دلیل ای‌یکون Save رو شبیه فلاپی ساخته.

خوبی‌ها و بدی‌ها را با هم ببینید

مجید میرزایی در تویییتی نوشت: هر وقت خواستید آدم‌ها رو برای یه کاری انتخاب کنید یا کلا کنار بذارید، اونارو به صورت یه مجموعه ببینید. مجموع خوبی و بدی‌هاشون رو کنار هم. بعضی وقتا ذهن آدم اشتباه می‌کنه و آخرین بدی‌ای که دیده رو کلی بیش خودش بزرگ می‌کنه، تصمیم می‌گیره و بعدها می‌فهمه اشتباه کرده.



گایبران

روزنامه جوان | شماره ۱۶۱۸ | یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۰ | ۴ رجب ۱۴۴۳ |



واکنش کاربران به فتنه‌انگیزی تجزیه‌طلبانه بی‌بی‌سی فارسی با هشتگ #منوفارسی

زبان فارسی جزو جدایی‌ناپذیر هویت همه اقوام ایرانی است

صفحه توییتری بی‌بی‌سی فارسی، رسانه‌ملکه، در تویییت فتنه‌انگیز از کاربران شبکه‌های اجتماعی خواست طی کمیتهی باهشتگ #منوفارسی از رنج اقلیت‌های زبانی در ایران بنویسند این تویییت اما با واکنش‌های شدیداً منفی کاربران مصادف شد و به ویژه کاربران دارای زبان‌های محلی، یا

■ **میرا قربانی فر:**

به عنوان یک گیلک می‌گویم که #زبان_فارسی زبان ملی من است و هیچ تجربه‌ای از هیچ سر کوب زبانتم از سوی زبان فارسی نداشته‌ام. برخلاف مدعیانی که ناگهان پیدا شده‌اند و اتفاقاًدر گیلان زندگی نکرده‌اند و گاهی فقط تفریحی به گیلان سفر کرده‌اند و حالاافسانه می‌یافتند، من در رشت بزرگ شده‌ام.

■ **پیمان عارف:**

به عنوان یک آذربایجانی تبریزی می‌گویم که #زبان_فارسی زبان ملی من است و هیچ تجربه‌ای از سر کوب زبان ترک‌ی آذربایجانی که زبان مادری‌ام است از سوی زبان فارسی ندارم. رابطه ترکی و فارسی برای من همواره رابطه همنشینی و هم‌افزایی بوده و هیچ باوری به مزخرفات #بنوفارسی ندارم.

■ **ا. کوچک‌نژاد:**

زبان مادری من گیلکی مازنی است، شاید از آخرین نسلی هستم که به این زبان صحبت می‌کنم، متأسفانه زبان گیلکی در حال انقراض هست و نیاز به حمایت دارد چراکه

بخشی از فرهنگ و تمدن ایرانی است اما زبان فارسی مقصر این وضعیت نیست، فارسی زبان طبیعی و تاریخی همه ایرانیان است. #فقدن_پارسی

■ **علی قلی‌زاده:**

برنارد لوئیس خاورمیان‌شناس انگلیسی، مشاور نئوکان‌های آمریکا و تئورسین اسلام‌هراسی و نبرد تمدن‌ها، «در ۲هزار سال گذشته هیچ کشورگشا و نیرو خارجی نتوانسته بر زبان و فرهنگ ایرانی اثر اساسی بگذارد که این از نشانه‌های فرهنگ برتر است. برای نابودی ایران باید به زبانش حمله کرد.» #زبان_فارسی

■ **کیانوش درویشی:**

زبان فارسی زبان اشتراکی همه اقوام ایرانی برای ارتباط با یکدیگر است، زبان یک قوم نیست و تنها تجزیه طلبان در تخریب این زبان می‌کوشند. #فقدنپارسی

■ **جعفر بزرگز:** #زبان_فارسی جز جدایی‌ناپذیر هویت ایرانیان است. زبان مصادری ذیل هویت

سرزمین مادری است که معنا می‌یابد؛ هر که جزاین گفت شارلاتانی است که علیه #ایران شمشیر کشیده.

■ **کاربری با نام «شیمیا»:**

من فارس هستم، هیچ‌وقت پادم نمیداد به خاطر زبان با کسی مشکلی پیدا کرده باشم، تو هیچکدوم از شهرهای ایران، به نقاش ساختمان اومده بود اهل هریس بود، به سختی فارسی حرف میزد، کلی ازش لغت آذری یاد گرفتم و لذت بردم، کور خودن‌دین برای تفرقه بین خوارهران و برادران ایرانی. #فقدن_پارسی

■ **ناذر نامعدار:**

به عنوان یک آذری مراغه‌ای اعلام می‌کنم زبان قند پارسی زبان پدری و زبان ترکی آذری زبان مادری من است. این دو زبان در تکامل و تعالی تربیت و پرورش من هیچ وقت رویه‌روی هم نمانده‌اند، آن دو مکمل هم و دو پال پرواز من در آسمان عاطفه، عشق، فرهنگ و عرفان بوده و خواهند بود. #فقدن_پارسی

شراب خورده ساقی ز جام صافی وصل...



شعر را برای مولا توی کوهستان خواندم گفتم من همین قدر بلد بودم. می‌گذارمش کنار بعد دوباره می‌ایم سراغش اگر عیب ایرادی داشت به دلم بندازم اصلاح کنم یا حذف و اضافه کنم. گوشه‌ی را گذاشتم جیبیم و شروع کردم به شنیدن صدای همان شعری که گفته بودم و ضبط کرده‌بودم توی ماشین. چندبار شنیدمش، هم به فضای موسیقی‌اش مسلط شوم هم حفظش کنم که جایی دعوت شدم بتوانم از حفظ بخوانم. غدیر آمد، یکی دو جا دعوت شدم برای شعرخوانی، یک نسخه‌اش را پرینت



تلاش جریان تحریف برای قدر تمدن نشان دادن امریکا

مسعود براتی در تویییتی نوشت: یکی از اهداف جریان تحریف، قدر تمدن نشان دادن امریکا در زمان ناتوانی اوست. تحریف می‌خواهد مؤلفه قدرت ایران در مسعود براتی در تویییتی نوشت: یکی از اهداف جریان تحریف، قدر تمدن نشان کرده که تحریف را روی ایران ساده بگیرد. دروغ می‌گویند.



مسئله اوکراین و تحریم‌ها

کانال تلگرامی «ویر گول مدیا» نوشت: در صورت افزایش اختلاف روسیه با امریکا در مسئله اوکراین و تهدید روسیه به وضع تحریم، می‌توان به سمت بی‌اثر کردن تحریم‌ها در سطح جهانی حرکت کرد. زیرا زمانی که تحریم‌های امریکا همه‌گیر شود و به سمت چند کشور بزرگ حرکت کند، آنگاه کارایی خود را از دست خواهد داد.

مثبت‌گرایی سمّی چیست ؟

راحله هنری نوشت:مثبت‌گرایی سمّی به معنای حفظ خوش‌بینی و نگرش مثبت اُدر هر شرایطی) است. گرچه مثبت‌اندیشی امری توصیه‌شده و پسندیده است؛ اما هر چیزی اگر بیش از حد شود، مضرو آسیب‌زننده خواهد شد.

مثبت‌گرایی سمّی به جای آنکه روی مثبت‌اندیشی تمرکز کند، تلاش

می‌کند تا ذهن را از واقعیت‌های تلخ و ناراحت‌کننده که نیاز به درک و رسیدگی دارند، منحرف کرده و جایش را با افکار مثبت اما خیالی پر کند. در واقع زمانی که ماید به ریشه‌حال بد، احساسات منفی و هیجانات سرکوب شده‌مان رسیدگی کنیم و آنها را به آگاهی بیآوریم و درک و هضم و پالایش‌شان کنیم، با فرار از آنها به فکر مثبت، داریم ذهن‌مان را در یک جنگ مثبت با منفی درگیر می‌کنیم. در حالی که مثبت‌نگری زمانی می‌تواند در ما جا بگیرد و مؤثر واقع شود که با افکار منفی و هیجانات و احساسات منفی ما آگاهانه برخورد و ریشه‌یابی شود؛ در غیر این صورت کورگورانه مثبت فکر کردن کمکی به ما نمی‌تواند بکند.

نام گذاری سرمایه سوز

محمدرضاخانیان،استاددانشگاه تهران، در کانال تلگرامی خود نوشت: شهر قم به عنوان «پایتخت مذهبی ایران و قطب فرهنگی» کشور را بسا القاب و صفات گوناگونی چون استراحتگاه مؤمنین، دارالموحدین و شهر کرمه اهل بیت و عُش آل محمد (آشپانه آل محمد) می‌شناسند اما

بیش از هر عنوانی، لقب «حرم اهل بیت» و «شهر علم» زیننده آن بوده است.

در سال‌های اخیر و با برنامه‌های فرهنگی در کشور تعابیر نوین‌تری نیز به مجموع القاب قم افزوده شده که «پایتخت فرهنگی جهان شیعه»، «پایتخت دوم ادبیات کودک و نوجوان ایران»، «قطب تولید معارف دینی در ایران»، «قطب تولید علوم اسلامی» و «بزرگ‌ترین قطب انتشار کتاب‌های دینی در خاورمیانه» از جمله آن‌هاست.

اما این روزها و به لطف یک آگهی بازرگانی فراگیر که روزانه بارها در ساعات پرمخاطب رسانه از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود لقب تأمل برانگیز تازه‌ای به عنوان‌ی پیشین اضافه شده که کمتر شهروند ایرانی با ساکن قم می‌تواند به سادگی آن را هضم کند.

«قم؛ شهر ازانی» تعبیری است که به سرعت و سادگی می‌تواند به یک واکنش سرمایه سوز اجتماعی منجر شده و احساس تبعیض را در میان بسیاری از مخاطبان برانگیزد. نمی‌دانم چقدر در خصوص آثار پخش گسترده چنین تعبیری دقت شده اما روشن است که این عنوان نه با واقعیت اقتصادی شهر قم سازگار است نه با القاب تاریخی و فرهنگی حرم اهل بیت (ع). بی‌شک یکی از مصادیق پیوست فرهنگی برای پروژه‌های اقتصادی و تجاری کاربرد مناسب القاب و عناوین و برندینگ محصولات یا اماکن مرتبط است که باید با دقت ویژه از سوی شورای فرهنگ عمومی کشور و استان قم و هر شهر و استان دیگری مورد توجه قرار گیرد.

موانع تحول در صنعت خودرو

علی محمدی در کانال تلگرامی خود نوشت: سئوآلی که پس از بیانات رهبر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته این است که چرا با وجود نیروی فنی ماهر، بازار مصرف، وجود مواد اولیه در کشور، داشتن نقدنیروی و ۱۲۰۰ بنگاه قطعه ساز، در بحث خودرو با مشکلات فعلی



مواجهیم؟ خروج خودرو وسازان از شرایط فعلی نیازمند تغییر در چهار حوزه است:

۱) حوزه سیاست‌گذاری: ریشه اصلی آشفتگی این صنعت، وجود ۲۰ نهاد سیاستگذار و متکثر است که بعضاً قوانین و سیاست‌های ضد هم مصوب می‌کنند و علاوه بر هدر رفت منابع، با دخالت‌های دستوری، صنعت خودرو را قیضه کرده‌اند.

۲) حوزه تولید: انحصار شرکت‌های خودرو سازی، عدم رقابت‌پذیری و دولتی بودن، از جمله عوامل مهم در عدم بهبود کیفیت تولید است. البته هزینه بالای تولید و عدم به‌رویی برای کاهش هزینه‌ها (وجود ۲۵ هزار کارگر مزاد در سایپا و ایران خودرو) نیز باعث هدر رفت منابع این صنعت شده است.

۳) حوزه توزیع:بخش توزیع در صنعت خودرو سازی بسیار گسترده و حجیم‌تر از بخش تولید است. نبود سیستم مناسب برای نظارت و کنترل بر معاملات خودرو در بازار است که سوداگری

و تضعیف بخش تولید را حاصل ساخته است.

۴) مشکل چهارم که به خودرو سازان‌ها ارتباط کمتری دارد ولی برای آنها چالش آفرین شده است، مربوط می‌شود به تورم بالا و کاهش ارزش ریال در کشور؛ این چالش ریشه‌ای در اقتصاد ایران، خودرو را تبدیل به یک کالای سرمایه‌ای کرده و تقاضای کاذب در جامعه به وجود آورده است، به‌طوری که ثبت‌نام میلیونی برای خودرو در کشور، نه صرفاً به‌واسطه نیاز به آن، بلکه عمدتاً به دلیل حاشیه سودی است که از قِبل آن عاید خریدار خواهد می‌شود.

نیروی حزب‌اللهی

به قدرت گرفتن تفکر انقلابی توجه دارد

کمیل خجسته در کانال تلگرامی خود نوشت: آرمان حزب‌الله رسیدن خود و رساندن مردم به سعادت است. منطبق رفتار حزب‌الله چه آن ۲۵۰سال که معصوم رهبریش می‌کرد و چه در این دوران فرزندان روح‌الله سه عنصر مهم داشت:

۱) نیروی حزب‌اللهی انقلابی به قدرت گرفتن تفکر انقلابی توجه دارد اما برای قدرت خودش کاری نمی‌کند. رهبری تعریف می‌کنند که

«هنگامی که قرار بود امام تشریف بیاورند و ما در دانشگاه تهران تحصن داشتیم، جمعی از رفقا که با هم کار می‌کردیم صحبت این بود که وقتی ایشان وارد می‌شوند، مسئولیت‌هایی پیش خواهد آمد. گفتیم بنشینیم برای این موضوع، یک سازماندهی بکنیم. رفتیم در اطابق نشستیم. صحبت از تقسیم مسئولیت‌ها شد و در آن‌جا گفتیم که مسئولیت من این باشد که جای بدهم؛ همه تعجب کردند. یعنی چه؟ چای؟ گفتیم: بله، من چای درست کردن را خوب بلدم. با گفتن این پیشنهاد، جلسه حالی پیدا کرد. تناقض و تعارضش که نیست. ما می‌خواهیم این مجموعه را با همدیگر اداره کنیم؛ هر جایش هم که قرار گرفتیم، اگر توانستیم کار آنجا را انجام بدهیم، خوب است. این، روحیه من بوده است.»

۲) نیروی حزب‌اللهی انقلابی برای خود لایه نمی‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای در حالی نامزد ریاست جمهوری اول شدند که خودشان مخالف بودند. اما فشار حزب جمهوری و جامعهٔ مدرسین تکلیف بر ایشان درست کرد و در روزهای شهادت شهید رجایی، باهنر، بهشتی و افشا شدن خیانت بنی‌صدر و منافقین این مسئولیت سخت را بر عهده گرفتند. تصویر آیت‌الله خامنه‌ای در لحظهٔ انتخابشان برای رهبری گواه این است که مسئولیت برای نیروی حزب‌اللهی شیرین نیست. سخت است و جانفرسا.

۳) نیروی حزب‌اللهی از صندلی، طراحی صندلی بعدی را نمی‌کند. بلکه صندلی حکم مسئولیتی دارد که باید باری را بر دوش بکشد تا بهبودی در زندگی مردم ایجاد شود. آقا بعد از رهبریشان فرمودند که وقتی بار رهبری بر دوشم افتاد دیگر (خُذها بقوه). حاج قاسم در مقابل پیشنهاد نامزدشدن برای ریاست‌جمهوری‌اش گفت که «نامزد گلوله‌هاست و در صحراها به‌دنبال آن گلوله‌ای می‌گردد که او را به وصالش برساند.» او در مقابل پیشنهاد مسئولیت بزرگ‌تری مانند فرمانده سپاه‌شدن هم ماندن در نیروی قدس را ترجیح داد که آنجا «مؤثرتر می‌تواند باشد.»

این‌ها عناصر سازندهٔ منطق حزب‌الله هستند تا او حق جهاد را ادا کند. حزب‌الله در هر مسئولیتی که هست آن را میدان مبارزه می‌بیند. هر مسئولیتی که دارد، فرصتی می‌بیند تا خود را مصداق *فَیَنْهَم مَن قَضَىٰ حَیْثُ وَنَحْنُ وَ مَنهَم مَن یَنْتَظِرُ* کند.

واقعیت حزب‌الله این است که بی‌حیایا به سوی آرمانش می‌رود تا لحظه شهادت و برایش اشک می‌ریزد. مثل چیلت‌سازیان، مثل حاج قاسم، مثل ...